



روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، دام و شتر مي داشتيم، آن را ميان شما تقسيم مي کردم و آنگاه مي دانستيد که من بخيل، دروغگو و ترسو نيستم.

از جبير بن مطعم رضی الله عنه روایت است که می گوید: در بازگشت از "حنین" با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. صحرانشینان، اطراف پیامبر صلی الله علیه وسلم را گرفتند و با اصرار و پافشاری از ایشان درخواست مال می کردند، تا جایی که پیامبر صلی الله علیه وسلم را ناگزیر نمودند به سمت درخت خارداری برود؛ چنانکه روپوش پیامبر صلی الله علیه وسلم به درخت گیر کرد. لذا پیامبر صلی الله علیه وسلم ایستاد و فرمود: «أَعْطُونِي رِدَائِي، فَلَوْ كَانَ لِي عَدَدُ هَذِهِ الْعِصَاهِ تَعَمًا، لَقَسَمْتُهٖ بَيْنَكُمْ، ثُمَّ لَا تَجِدُونِي بَخِيلًا وَلَا كَذَّابًا وَلَا جَبَانًا»؛ «روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، دام مي داشتيم، آن را ميان شما تقسيم مي کردم و آنگاه مي دانستيد که من بخيل، دروغگو و ترسو نيستم».

[صحيح است] [به روايت بخاری]

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از غزوه ي حنین بازمی گشت - حنین دره ای بین مکه و طائف بود - و جبير بن مطعم رضی الله عنه با ایشان بود، مردمانی چنان برای گرفتن سهمی از غنایم گرد پیامبر جمع شدند که ایشان را به زیر درخت خارداری کشانند؛ تا جایی که ردای پیامبر صلی الله علیه وسلم به خارهای اين درخت آویزان شد؛ و ردایش را کشیدند؛ اين بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روپوش مرا به من بدهيد؛ اگر به اندازه ي اين خارها، شتر و گاو و گوسفند مي داشتيم، آن را ميان شما تقسيم مي کردم». سپس فرمودند: «و اگر مرا در اين زمينه تجربه مي کرديد، مرا بخيل و دروغگو و ترسو نمی يافتيد».

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/5790>



النجاه الخيرية
ALNAJAT CHARITY

